

نظریه پیشرفت سلیمان خاکبان^۱

چکیده

نظریه پردازی در باب «پیشرفت قرآنی» یا «پیشرفت قرآن محور» یا «پیشرفت از منظر قرآن کریم» دست کم دو پیش نیاز اساسی و بنیادی دارد: نخست، باید تلقی خود را از «چیستی پیشرفت» مشخص و مدلل کنیم؛ سپس باید تکلیف خود را با «گستره معرفتی قرآن کریم» معین و موجه سازیم؛ زیرا تا وقتی «مبنا» در این دو زمینه مشخص نباشد، نمی توان در باب «پیشرفت قرآنی»، نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر کرد. اگر کسی بدون مبنا اظهار نظر کند، یا ناخودآگاه تحت تأثیر نظریه های پنج گانه توسعه غربی، از یک سو، یا از دیگر سو یکی از سه نظریه «اقلی» و «اوسطی» و «اکثری» قرآنی را برگزیند، گرفتار هرج و مرج در اظهار نظر خواهد شد (نمونه این هرج و مرج را در بسیاری از مباحثی که به نام توسعه دینی در جامعه و نیز در برخی تفاسیر حتی بسیار مشهور و معتبر معاصر مطرح است، می توان مشاهده کرد). رسالت این مقاله تنها پاسخ به پرسش از «چیستی پیشرفت» است. برای پاسخ به پرسش مذکور از دو «روش تحلیل محتوایی» و «نقد» سود جستیم. ابتدا «نظریه های پنج گانه توسعه غربی از آغاز تا امروز» مطرح شده و پس از تحلیل محتوایی آن ها به یک تعریف جامع از توسعه که فصل مشترک همه انواع نظریه های توسعه، اعم از دینی و غیردینی، می تواند باشد، رسیده ام: «توسعه یعنی توانایی پاسخ به نیازها». سپس، این تعریف و نظریه های پنج گانه توسعه غربی بر اساس شاخص «هندسه یا شبکه نیازهای صادق انسان» مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و به «چهار اشکال اساسی و بنیادی» اشاره شده و در نهایت، «تعریف مختار پیشرفت» به عنوان یک «نظریه راهنما» به علاقمندان مباحث توسعه و طراحان و مهندسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تقدیم شده است. انشاء الله مقبول افتد و مفید باشد.

کلیدواژگان: توسعه، پیشرفت، نیاز صادق، نیاز کاذب، شبکه نیازها، قرآن کریم.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه قم.